

## تناسب گرایي يا اشتباه مقنن از منظر اخلاق قضايي (بررسی موردی ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامي)

مرتضی یزدانی نصرآبادعلیا<sup>۱</sup>، دکتر مصطفی فروتن<sup>۲\*</sup>، دکتر امیر پاک نهاد<sup>۲</sup>  
۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران  
۲. گروه حقوق، حقوق کیفری و جرم شناسی واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران  
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶)

### چکیده

زمینه: از اواسط قرن هیجدهم راه حل‌های رضایت‌بخشی پیش روی افراد قرار داده شد که با بکارگیری و اثبات آنها و وجود شرایط شخصی و عینی زمینه تناسب‌سازی در مسولیت کیفری فراهم می‌گردد؛ در این میان قانونگذار نیز با همین رویکرد در دوره‌های تقنینی سعی بر تناسب سازی موانع مسولیت کیفری داشته است. در پژوهش حاضر با تأکید بر ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامي سعی شده است تناسب‌گرایی یا اشتباه مقنن از منظر اخلاق قضايي مورد بررسی قرار گیرد.

**نتیجه‌گیری:** یکی از این موانع مسولیت و موضوع این پژوهش "مانع مستی" می‌باشد که مقنن در یک ابداع رو به جلو حالات مختلفی از تناسب ذهنی گرا در مانع مستی در جرائم مشمول قصاص (در کنار دیگر جرائم حدی و تعزیری) را تصویب نموده است، بدین نحو که در ماده ۳۰۷ ق.م.ا به ظاهر سنجه‌هایی از راه‌های رفع موانع مسولیت کیفری که به تناسب واقعی تصمیم قضايي منجر شود، مورد پیش بینی قرار گرفته است، اما واررسی حالات مورد تصویب در این نص قانونی، در نگاه اول لایحه‌های بی‌خلایقی به چشم می‌آید و بعضاً مغایر با دیگر مواد قانون مجازات اخلاقی از جمله ماده ۱۵۴ می‌باشد. بنابراین در این مقاله به روش تحلیلی و توصیفی به این دو پرسش پاسخ داده خواهد شد؛ آیا رویکرد مقنن تناسب‌سازی در ماده ۳۰۷ بوده؟ آیا ماده ۳۰۷ استثناء در مانع مستی در قتل عمد در موانع رفع مسولیت کیفری است، یا اشتباه مقنن می‌باشد؟ بررسی این پژوهش حاکی از رویکرد تناسب‌گرایانه مقنن در جنایات مشمول قصاص در حالت مستی می‌باشد، که نشان از موقعیت‌سنجی تقنینی و عدم مغایرت قانونی دارد.

**کلید واژگان:** مستی، تناسب گرایي، اشتباه مقنن، اخلاق قضا

### سر آغاز

حالات مختلف مانع رفع مسولیت کیفری در حالت مستی در جرائم گوناگون داشته است. بنابراین ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامي<sup>۴</sup> پدید آمد که بر مبنای آن ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روانگردان و مانند آنها، موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب الاختیار بوده است که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، جنایت، عمدی محسوب می‌گردد (۱-۳).

با وجود آنکه مقنن در ماده ۳۰۱ به بعد قانون مجازات اخلاقی<sup>۱</sup> شرایط عمومی قصاص<sup>۲</sup> را بیان نموده است، لیکن با مطالعه آنها متوجه می‌شویم که ارتکاب جنایات عمدی صرفاً موجب قصاص نیست و اثبات قصاص متضمن دیگر شرایطی است که موخر بر عمودی بودن جنایات باید احراز گردند؛ بنابراین با لحاظ شرایط مشترک مسولیت کیفری<sup>۳</sup> برای همه جرائم در ماده ۱۴۰ ق.م.ا ابتدائی‌ترین شرط بالغ بودن و عدم زوال قوه تمیز می‌باشد؛ این قید عام الشمول در مواد دیگر نیز تکرار شده است، بدین ترتیب متوجه می‌شویم زوال عقل و روان -مستی- یکی از طرق ثانویه رفع مسولیت کیفری است؛ به همین دلیل مقنن در بازنگری قانون مجازات اخلاقی در سال ۹۲ سعی بر تناسب سازی



تناسب و معیار های آن داشته است. بر همین مبنا و برای شناخت هر چه بهتر رویکرد تناسب گرایي مقنن در ماده ۳۰۷ در مانع مستی در دو تئوری مجزا سنجه های مختلف آن را مورد بررسی و پژوهیدن قرا گرفته است.

### تناسب گرایي در جرم انگاری جرم مستی (رویکرد کلی)

همانطور که مقنن موانع رفع مسولیت کیفری را تعریف نموده بلکه به بیان عبارات کلی «مجازات اخلاقی نمی شود» بسنده نموده؛ جرم مستی نیز فاقد تعریف قانونی می باشد و مقنن در ماده ۲۶۴ ق.م.ا صرف نوشیدن مسکرات را جرم حدی دانسته است؛ در فقه امامیه نیز بیشتر به حالات و انواع مستی، توجه شده است؛ لیکن فقهای اهل سنت مستی را عبارت از زوال عقل در اثر تناول خمر یا مشابه آن می دانند (۷). به نحوی که بعد از افاقه و رفع حالت (سرخوشی یا هذیان گویی) نداند چه رفتار یا گفتاری از وی سر زده است.

عدم تعریف قانونی مانع از توجه به موارد فساد آور نمی شود، بلکه به اگر پیشینه فقهی، تاریخی، تقنینی و حتی قضایی توجه نمائیم متوجه توجیهاات کافی در ضرورت جرم انگاری آن می شویم، چرا که همواره بخشی از ارتکاب جرائم بین المللی و وهن آور از طریق اجبار افراد به مصرف مواد مست کننده<sup>۹</sup> صورت می گرفته است، از قرن ششم پیش از میلاد که به کمبوجیه الکلیک می گفتند مصرف مواد مست کننده وجود داشته و عامل جرائم بوده است (۸). در جنگ جهانی دوم مصرف سرانه الکل در فنلاند دو لیتر و در کشور های بی طرف مثل سوئد چهار لیتر بوده است، در جنگ جهانی دوم کودکان در جنگ حضور فعال داشتند و به کودکان سرباز مواد مخدر یا الکل که حاوی مقدار قابل توجهی اتانول فعال بود، داده می شد تا جرائم آنها را تحریک و حیای خود را از دست بدهند و در مقابل قدرت خود را برای کارهای غیر متعارف و شنیع افزایش دهند. پس از جنگ دوم جهانی نیز این رویکردها ادامه داشته و حتی در جنگ های معاصر مصرف الکل برای روحیه دادن به سربازان جنگی نیز متداول بوده است، به عنوان نمونه؛ ممنوعیت مصرف نظامیان آمریکایی در عراق در سال ۲۰۰۵ برداشته شده و جیره هر نظامی معادل ۱۲ انس در روز بوده. به تبع همین گزارش ها و آمارهای تاریخی اساسنامه دیوان کیفری بین المللی (بند ب ماده ۳۱) حالت مستی را بعنوان یکی از عوامل معافیت از مسولیت کیفری دانسته است. در ایران قبل و بعد از انقلاب مصرف مسکر شایع بوده بطوری که در تهران (قبل از انقلاب) تعداد مشروب فروشی ها بالغ بر ۱۴۰۴ مغازه بوده و طبق یک آمار استعمال در ایران باعث ۳۰٪ جنایت ها بوده (۹). حتی اکنون در برخی از مغازه های لوکس تهران و برخی از شهرستانها شیشه های مسکرات نیز مشاهده شده است.

در هر حال در نظام حقوقی ایران در قانون مجازات اخلاقی عمومی ۱۳۰۴ مقرره خاصی در مورد جرم انگاری جرم مستی وجود نداشته چه رسد به موانع رفع مسولیت کیفری؛ به همین دلیل رویه قضایی و دیوان عالی تصریح داشته اند که «فقدان اراده متهم از جهت مستی موجب معافیت از کیفر نیست» (۱۰). در سال ۵۲ تا حدودی مقرره جدی تری

نظریه تناسب<sup>۵</sup> هم یک ایده کلی حقوقی است که ریشه در حقوق آلمان دارد (ولی توسط نظام حقوقی اتحادیه اروپا مورد استفاده فراگیر قرار گرفت)؛ بدین معنا که دولت فردریش ویلیام سوم با تدوین قانون پروس مصوب ۱۷۹۴ به دولت اجازه حفظ نظم و حاکمیت قانون و اتخاذ اقدامات ضروری را داد و از آن پس حقوقدانان این مقرره را مبنای نخستین برای «نظریه تناسب گرایي» در حقوق کیفری دانسته اند که با ارائه سه معیار اخلاقی زمینه احراز تناسب یا عدم تناسب تصمیم اتخاذی- در موانع مسولیت کیفری- فراهم می شود.

الف - معیار شایستگی<sup>۶</sup> یا مناسبت (درخور بودن)؛ یعنی اقدام صورت گرفته برای تحقق هدف باید درخور باشد به این معنا که قابلیت دستیابی به یک هدف مشروع را داشته باشد (در این پژوهش موانع رفع مسولیت در حالت مستی مد نظر است)؛ پس مناسب بودن اقدام اتخاذی قضایی باید برطبق استانداردهای عینی تعیین شود نه معیارهای ذهنی مقام قضایی.

ب- معیار ضرورت<sup>۷</sup>؛ این معیار می گوید؛ هیچ وسیله ای متعادل دیگری برای به دست آوردن هدف مورد نظر در دسترس (مقام قضایی) نباشد؛ یعنی اقدام جایگزین دیگری که موجد محدودیت های کم تری باشد وجود نداشته باشد.

پ - معیار اقتضا<sup>۸</sup> (تناسب در مفهوم مضیق)؛ برای آن که انجام اقدام توجیه پذیر باشد منفعت حاصله از آن، باید به طور کلی بیشتر از صدمه ای باشد که به افراد مرتبط با آن اقدام وارد می شود؛ یعنی مقام عمومی قضایی نباید اقدامی را که دربردارنده ی آسیبی فراتر از حدود مرتبط با هدف مورد نظر است، بر افراد تحمیل کند. اعمال این معیار ربط وثیقی با ارزش هدف مورد نظر، حدود مداخله و ماهیت قلمروی که در چارچوب آن تصمیم گیری شده است، دارد (۴).

با توجه به معیارهای سه گانه فوق نظریه تناسب به اعتبار ماهیت شناسی آن عبارت است از «یک قاعده کلی که پس از بررسی شرایط حقوقی یک موضوع کیفری نسبت به آن واکنش های کیفری متناسب تعیین می نماید.» البته این نظریه در متون اسلامی دارای سابقه می باشد و بعضی از فقها ریشه تناسب را همان عدالت شرعی دانسته و همانطور که می دانیم بعد از انقلاب مشروطه آمادگی مادی و ذهنی برای پذیرش بنیادهای جدید در نظام جزایی ایران به وجود آمد (۵). که در ادامه آن حرکت، قبل و بعد از انقلاب با تصویب قوانینی متناسب اعم از ماهوی یا شکلی و بخصوص درچند سال اخیر نشانه هایی از نظریه معقول و منصفانه یعنی "تناسب گرایي" وجود دارد که با گذر زمان این ایده بعنوان یک قاعده انکار ناپذیر که نتیجه روح عدالت طلبی بشر می باشد (۶). پذیرفته شده و به ظاهر یک نمونه از آن تناسب گرایي تکامل شرایط مختلف موانع مسولیت کیفری حالت مستی می باشد.

این اهتمام به تناسب گرایي مقنن می طلبد که بررسی نمائیم که مانع مستی که موجب رفع مسولیت کیفری می شود، آیا صرفاً مقنن توجه فقهی محور و حرام شرعی مصرف مسکرات به این حالت دارد؟ یا اینکه در کنار سببه شرعی توجه به نظریه های نو مدرن از جمله نظریه

نکته مهم در مورد جرم حدی مصرف مشروبات الکلی مقنن در یک تناسب سازی نافذ بین مرتکب مسلمان و غیر مسلمان در ماده ۲۶۶ ق.م.ا تفاوت قائل شده و این رویکردی از آن جهت متناسب است که فرد غیر مسلمان قائل به حرمت شرعی مصرف مشروبات مسکرات نیستند، لکن تجاهر و تظاهر آنها قابل مجازات اخلاقی می باشد و این همان جایگزینی نظریه تناسب می باشد چرا که دین و آئین مرتکب شرب مسکرات، مانع از فرار از کیفر یا اعمال کیفر نامتناسب نمی شود، پس همواره رویکرد جایگزین مورد نظر مقنن وجود داشته، حتی اگر بحث از موانع رفع مسولیت کیفری باشد.

و بدین ترتیب باید پذیرفت مقنن در دو جرم ارائه شده حالات مختلف احتمال این جرم را در اقسام متنوع جرم انگاری نموده است که این نوع جرم انگاری خود زمینه تعیین و اعمال هرگونه تصمیم مقتضی (مجازات اخلاقی) و متناسب را فراهم و مانع از اعمال کیفر نامتناسب می شود.

### ب - رویکرد اخلاقی در جنایات مشمول قصاص

در باب مجازات اخلاقی جرم مستی و نحوه تصمیم مقام قضایی در جنایات بین فقها تفکیک وجود دارد؛ بدین نحو که فقهای اهل سنت با تفکیک بین مانع مستی با عذر شرعی و بدون عذر شرعی به ترتیب به عدم جواز قصاص و جواز قصاص به علت مکلف بودن فرد مست و عدم منافات تکلیف با خطاب شرعی قصاص می باشد.

در فقه امامیه نیز همه فقها متفق القول معتقدند که مستی در اثر عذر شرعی قصاص وجود نخواهد داشت و در صورت مستی بدون از عذر شرعی و ارتکاب هر نوع جنایت قصاص وی جایز خواهد بود (۱۳). در راستای همین رویکرد تناسب ساز فقهی؛ مقنن نیز با مبنا قرار دادن همین روش و نیز با تاثیر و الگو برداری از رویکرد های مدرن کیفری و نظریات مترقی حقوقی در جرائم مشمول قصاص در یک ابداع جدید و شاید در نگاه اول نامناسب اما به واقع متناسب سازی ظریفی در ماده ۳۰۷ مورد پیش بینی و تصویب قرار داده است که باعث تشکیک و بیان نظرات مختلف در مورد شمول حالت مستی نسبت به قتل عمد شده است. بعنوان نمونه برخی از حقوقدانان معتقدند که مقصود قانونگذار در جرایم جسمانی<sup>۱۱</sup>، {باید} معافیت از قصاص<sup>۱۱</sup> باشد، نه رفع مسولیت کیفری، بنابراین باید مفاد این ماده (۳۰۷) بصورت تصریح در زیر ماده ۱۵۴ آورده می شد، زیرا جرم قتل دارای یک خصوصییتی نیست که نیاز به اختصاص یک حکم به آن داشته باشد، چرا که در این زمینه همه جرایم یکسان اند و مستی با شرایطی و بطور استثنایی بر رفع پاسخگویی کیفری<sup>۱۲</sup> در همه جرائم اثر گذار<sup>۱۳</sup> است (۱۴). و عده ای معتقدند این نوع دوگانگی مقنن در یک موضوع که باعث تقویت شبهه می شود را باید با تئوری های کیفری<sup>۱۴</sup> و در تدوین های نهایی این دوباره کاری ها مرتفع گردد (۱۵). با توجه به نظرات فوق، لازم به بیان است که یکی از مبانی نظریه تناسب عقل و منطق حقوقی می باشد، یعنی با توجه به مبانی فقهی حاکم بر سیستم حقوقی<sup>۱۵</sup> ما از یک سو علل مجازات اخلاقی فرد مست اعم از اینکه مرتکب جرم شده باشد یا خیر دارای مجازات اخلاقی مشخص می باشد و در صورت ارتکاب جرم دیگر به غیر از مصرف مواد سکر آور به کیفر آن جرم نیز محکوم می

تصویب لیکن بعد از انقلاب و حاکمیت شرع مقدس این مقرره های جرم انگار تکمیل و ادامه داشته و اکنون مقنن در ماده ۱۵۴ ق.م.ا در یک جرم انگاری به ظاهر نامتناسب اما همراه با حالات متفاوت و شرایطی چندلایه برای تحقق رفع مسولیت در مستی بیان نموده که نشان هایی از عدم تناسب در جرم انگاری و قانون نویسی و زمینه تشتت آراء نسبت به جرائم مشمول یا مستثنی وجود دارد.

لکن تناسب سازی تصمیم قضایی نسبت به مانع مستی در چهار حالت قابل طرح است (۱۱)

حالت نخست؛ عدم تاثیر اولیه مستی بر مسولیت کیفری که یک تصمیمی متناسب است چرا که با مجازات اخلاقی چنین افرادی آینده ی ارتکاب جرم وی را مخدوش یا کنترل می شود.

حالت دوم؛ تصمیم به عدم اعمال کیفر منوط به مستی اتفاقی و غیر عمدی مرتکب می باشد و اگر غیر از این باشد جای بحث در مسولیت مرتکب باقی نمی ماند.

حالت سوم؛ مستی تعددی که مسولیت مرتکب حتی اگر باعث سلب کامل قوه و اراده شود بقوت خود باقی است. چرا که چنین فردی دانسته و نیز بی توجه به خطر و جرم ناشی از مستی بوده است.

حالت چهارم؛ علم و آگاهی فرد به تحقق اعمال مجرمانه در صورت مصرف مواد مسکر و مست کننده یا اخلاخ کننده اراده باشد. چرا که به نظر استعمال مواد مست کننده در جهت تشدید جرم ثانویه بوده چرا که تمدا<sup>۱۶</sup> خود را در معرض انواع جنایات قرار داده است.

بدین ترتیب در راستای همسان سازی قواعد بین المللی و نظام کیفری ایران حالات متفاوتی را جرم انگاری تا مقام قضایی با فراغ بال در اتخاذ تصمیم متناسب با وضع مرتکب و شرایط ارتکاب جرم در حال مستی و بی ارادگی وضع نموده است.

### تناسب گرایي و اخلاق قضایی : تعیین مجازات جرم مستی

#### الف - رویکرد اخلاقی در جرائم اخلاقی و حدود

در تعیین مجازات اخلاقی باید اهداف متنوع مجازات اخلاقی در کنار ارزیابی شدت جرم و اوضاع و احوال شخصی متهم تفکیک و در نظر گرفته شود؛ اما در نگاه اولیه به نظر می رسد نحوه جرم انگاری ماده ۱۵۴ زمینه تشت آراء نامتناسب نیز می باشد؛ چراکه در جرم انگاری صورت گرفته نوع جرائم مشمول رفع مسولیت کیفری را بیان نموده که در مورد شیوه مجازات اخلاقی متناسب آن سخن به میان آوریم، به همین دلیل عده ای از حقوقدانان معتقدند که منظور از مستی در ماده ۱۵۴ مستی تعددی است که در کلیه جرم های شرعی و اخلاقی مصداق دارد (۱۲). اما به واقع الگوهای تعیین مجازات اخلاقی بخصوص در جرائم حدی نشان از رویکرد تناسب ساز مقنن در تعیین مجازات اخلاقی و بازدارندگی خاص در این گونه جرائم به درستی مورد پیش بینی قرار گرفته است، بدین نحو که در جرائم حدی رویکرد مقنن در جرم انگاری و مجازات اخلاقی جرم مصرف مشروبات الکلی بر اساس ماده ۲۶۴ ق.م. صرف مصرف مواد سکر آور تعیین شده است. هرچند این جرم در برخی از موارد نیز یک جرم اخلاقی است.



بسیار با اهمیت است. یکی از مواردی که در مبحث اخلاق قضایی مورد توجه است بحث تناسب گرایي و اشتباه مقنن است. تناسب گرایي نشان عدالت در دستگاه قضاست. اصل تناسب جرم و مجازات، به عنوان یکی از اصول حاکم بر تعیین مجازات ها، در سال های اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. علت اصلی این امر را باید گسترش رویکردهای مکافات گرایانه در فلسفه مجازات دانست.

عوامل رافع مسولیت کیفری، عواملی هستند که عنصر روانی جرم را زائل و درعامل بررسی شده یعنی حالت مستی اغلب بنا به شرایط عینی و واقعی پرونده که حمل بر حالت ذهنی شخصی مرتکب می شوند و مانع از مسولیت کیفری می گردد در این میان آنچه این پژوهش در حال واری آن بود، هر چند که مقنن بطور صریحی ایده تناسب را نپذیرفته، لیکن در جرم انگاری حالت و مانع مستی و عقوبت و کیفر هایی که برای آن در نظر گرفته مقنن یک رویکرد رو به جلو از تناسب ذهنی گرا در مانع مستی در جرائم مشمول قصاص (در کنار دیگر جرائم حدی و تعزیری) را تصویب نموده است، بدین نحو که با تصویب و پیش بینی دو ماده قانونی (مواد ۳۰۷ و ۱۵۴) که مجزا و مکمل یکدیگر می باشند و در نتیجه نه تنها مغایرتی در تدوین نداشته، بلکه آهنگ تناسب گرایانه مقنن در بزه های مشمول قصاص در حالت مستی و بیان لایحه های مختلف زمینه هر گونه تصمیم متناسب قضایی فراهم گردیده است، و این نشان از موقعیت سنجی تقنینی و عدم مغایرت قانونی در تطبیق دقیق دو نظریه تناسب کیفری و سودمندگرا می باشد، هم از جهت اصلاح وضع عمومی جامعه و نیز مجازات اخلاقی باید متناسب و شامل کسانی که سزاوار آن هستند و فقط به اندازه گناهشان باشد.

تمرکز نظریه تناسب بر پیدا کردن راهی خاص براساس وضعیت حقوقی فردی و جامعه و از لحاظ ایدئولوژیک براساس لیبراسم حقوق طبیعی است.

### ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

### واژه نامه

- |                                  |                     |
|----------------------------------|---------------------|
| 1. The law of moral punishment   | قانون مجازات اخلاقی |
| 2. Retribution                   | قصاص                |
| 3. Criminal liability            | مسولیت کیفری        |
| 4. The law of Islamic punishment | قانون مجازات اسلامی |
| 5. Proportion theory             | نظریه تناسب         |
| 6. Competency criteria           | معیار شایستگی       |
| 7. Necessity criteria            | معیار ضرورت         |
| 8. Eligibility criteria          | معیار اقتضا         |
| 9. Intoxicants                   | مواد مست کننده      |
| 10. Physical crimes              | جرایم جسمانی        |

شود. و از لحاظ عقلی هم شهروندان با رفتار نامتعارف باید مجازات اخلاقی مناسب را تحمل نمایند، بنابراین به عقیده حقوقدانان قاعده عقلی «امتناع بالا اختیار لاینافی الاختیار» مبنای مناسبی برای توجیه مجازات اخلاقی مست می باشد (۱۶). زیرا که مبنایی برخی جرم انگاری و تصویب قوانین آمارهای جنایی و قضایی و... می باشد؛ پس بر مبنای همین آمارهای بسیار زیاد و موجود از مصرف مشروبات الکلی قبل و بعد از انقلاب (و حتی آمارهای جهانی) و از طرفی نمی توان منکر تاثیر اجتماعی مستقیم الکیسم بر روی بزهکاری در حالت مستی باشیم و بسیاری از جرایم مانند قتل و ضرب و جرح ناشی از انفجار روانی و هیجانی است

بنابراین ماده ۳۰۷ از جهت تدوین و تصویب یک راهکار مناسب و تناسب سازی نرمالی است که مقنن در پیش گرفته است چرا که مقنن چند رویکرد متناسب و جایگزین بر اساس مدل های سنجشی ایده تناسب در مورد جرم انگاری و مجازات اخلاقی ها مورد پیش بینی متناسب قرار داده بدین نحو که؛

نخست؛ مقنن با توجه به حالت ذهنی و متعادل مرتکب، ارتکاب جنایت در مستی عادی و عامدانه موجب قصاص دانسته است.

دوم؛ با توجه به حالت ذهنی گرایي متهم، کیفر متناسب در مستی غیرعادی را مورد تصویب قرار داده است، که در حالت دوم به علت زوال کامل قوه عقل و اختیار با توجه به ماده ۱۴۰ ق.م.ا قصاص را ساقط نموده است، لکن این تناسب گرایي در عدم تحمیل کیفر غیرقابل برگشت قصاص مانع از مجازات اخلاقی نیست و کیفر متناسب اخلاقی دیگر را بر حسب ماده ۶۱۲ مورد مجازات اخلاقی قرار داد که رویکر اخیر بعلت آثار عینی و واقعی جرم ارتکابی در جامعه ضروری است که به کیفر متناسب و جایگزین محکوم گردد و از این لحاظ مقنن یک ایده نوینی را پذیرش نموده و ماده ۳۰۷ نه تنها مغایر با ماده ۱۵۴ ق.م.ا نیست بلکه مکمل ماده ۱۵۴ در کیفر متناسب جنایات عمدی می باشد.

نکته آخر و جالب تر که تناسب سازی ذهنی گرایي را نمایان می کند بدین نحو که مقنن در بخش آخر ماده ۳۰۷ تصریح بر کیفر قصاص فرد مست بعلت مستی عمدی و آگاهانه یا هدفمند را تاکید نموده است؛ چرا که فردی که به دلیل سبق تصمیم مناسب است که مقنن فقدان اختیار را نادیده گرفته و سبق تصمیم او در حال عادی (متعارف و معمول) برای ارتکاب جنایت در حال مستی را کافی برای عمدی بودن جنایت و قصاص البته با وجود ویژگی های جنایت عمدی گذاشته است (۱۶). و بدین ترتیب مقنن برای جنایات عمدی لایحه های مختلف را متناسب سازی نموده که در هر حالتی با وجود کیفر مقتضی و مناسب زمینه اعمال مجازات اخلاقی متناسب مرتکب فراهم گردد

### نتیجه گیری

قضاوت عادلانه به عنوان یکی از معیارهای اساسی در دادرسی حقوقی مورد توجه نظام های حقوقی مختلف است. اخلاق قضایی شاخه ای از اخلاق حرفه ای است. رعایت شأن و شئون منصب قضاوت و قاضی

6. Goh J. (2013). Proportionality: An Unattainable Ideal in the Criminal Justice System. *Manchester Student Law Review*; 2: 71-41.
7. Zeidan A. (2009). Principles of jurisprudence. Iran/Tehran: Ehsan Publication. (In Persian).
8. Hashemian K. (1998). Abnormal psychology and new life. Iran/Tehran: Alzahra Publication. (In Persian).
9. Najafi Tavana A. (2010). Criminology. 8th ed. Iran/Tehran: Assessment and Education Publication. (In Persian).
10. Aghaee Jannatmakan H. (2015). General criminal law. 4th ed. Iran/Tehran: Javedaneh Jangal Publication. (In Persian).
11. Asiaban Taheri MH. (2009). Investigating the principle of proportionality of crime and moral punishment in Iranian criminal law. [M.A thesis]. Sari: Mazandaran University. (In Persian).
12. Ghobachi H. (1996). Retribution for a drunken murderer in Islamic jurisprudence and the law of moral punishment. *Journal of Law Perspectives*; 2: 129-154. (In Persian).
13. Mansourabadi A. (2017). General criminal law. 1st ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. (In Persian).
14. Saki MR. (2017). General criminal law (criminal liability). 3<sup>rd</sup> ed. Iran/Tehran: Jangal Publication. (In Persian).
15. Aghaenia H. (2013). Crimes against persons (crimes). 14<sup>th</sup> ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. (In Persian).
16. Gheraati M. (2007). Summarize the principles of ideas. 1st ed. Iran/Tehran: Publication of the People's Prevention and Social Protection. (In Persian).

11. Exemption from retribution
12. Criminal liability
13. Effective crimes
14. Criminal theories
15. Legal system

معافیت از قصاص  
پاسخگویی کیفری  
جرایم اثرگذار  
تنوری های کیفری  
سیستم حقوقی

## References

1. Hosinipour M, Nosrati Y. (2020). Causes of judicial and legal criminal policy disagreement in drug-related offenses from the legal-ethical approach. *Ethics in Science and Technology*; 15 (3): 26-32. (In Persian).
2. Gholami M, Kalantari K, Goldouzian I, Esmaeili H. (2020). Islamic ethics and civil liability in compensating innocent prisoners: a comparative study of Iranian and American law. *Ethics in Science and Technology*; 15:6-12. (In Persian).
3. Hadinezhad S, Esmaeili M, Hajitabar H, Haditabar E. (2020). Criminal abolition and its impact on justice as an ethical component. *Ethics in Science and Technology*; 14 (5):19-24. (In Persian).
4. Eliya P, Iddo P. (2010). American balancing and German proportionality: The historical origins. Britain: Oxford University Press and New York University School of Law. Available at: <https://academic.oup.com/icon/article-abstract/8/2/263/6999>. Accessed: 12 May 2021.
5. Noorbaha B. (2006). General criminal law. 15<sup>th</sup> ed. Iran/Tehran: Ganje Danesh Publication. (In Persian).